

آیا مسیحیت تأثیر بدی بر تاریخ داشته است؟

خیر، مسیحیت تأثیر بدی بر تاریخ نداشته است. ایمان و عمل مسیحی یعنی آنچه با تعالیم مسیح هماهنگی دارد۔ در کنار دیگر فوائد تأثیرات مثبت زیادی در تاریخ داشته است. این مسئله حقیقت دارد اگر چه اعمال شریرانه مسیحیان کاذب، مخصوصاً ”رهبران برجسته (که بعضی از آنها حتی مسیحی حقیقی نبودند) که مرتباً” در کتابهای تاریخ ثبت شده است و بسیاری را به باور اینکه تأثیر مسیحیت اکثراً” مضر بوده است، هدایت کرده است، که از نمونه های بیان شده مشترک می توان جنگهای صلیبی و تفتیش عقاید اسپانیایی و آزار و اذیت جادوگران در قرون وسطی، اعدام هاس و ساوونارولا و اجبار گالیله توسط کلیسای کاتولیک به سکوت می باشند. این اعمال گناه آلود و از نظر اخلاقی کاملاً” اشتباه بوده اند و به هیچ وجه با تعالیم مسیح سازگاری نداشته اند. مسیحیت تأثیرات مثبت بسیاری بر تاریخ داشته است که اکثر آنها برای دنیای امروز، حتی عده بیشماری از مسیحیان ناشناخته است. این تأثیرات حرمت زندگی بشری را بسیار ارتقاء بخشید. در رم قدیم و جوامع بت پرست دیگر زندگی بشری بی ارزش و قابل فروش بود. مسیحیان اولیه که با انجیلها برانگیخته شده بودند، با سقط جنین و با اعمالی که به کشتن کودکان منجر می شد و یا محروم کردن کودکان از مال و خودکشی و مبارزات گلا دیاتوری که در دوران رومی ها به آنها به طرز وسیعی عمل می شد، به مخالفت برخاستند. ۵۰ سال پس از برسمیت شناخته شدن مسیحیت در ۳۱۳ میلادی امپراطوران مسیحی شده جدید این اعمال غیرانسانی را غیرقانونی اعلام کردند. اعمالی که به کشتن کودکان منجر می شود و محروم کردن کودکان از مال در بسیاری از کشورهای غربی غیرقانونی است. اگرچه سقط جنین متأسفانه دوباره به غرب بازگشته است، هنوز هیچکس این را مطرح نکرده است که گلا دیاتورها دوباره برای تفریح عموم بازگردانده شوند. در قرن چهارم مسیحیت بیمارستانها را به دنیا معرفی کرد. یونانیها و رومیها چنین موسساتی برای همیاری نداشتند. مسیحیان که با کلمات مسیح که فرمود: ” بیمار بودم، به عیادت آمدید.” (متی ۲۵:۳۶) انگیزه یافته بودند، در ابتدا در ۳۲۵ میلادی آسایشگاهها و در ۳۶۹ میلادی بیمارستانها را تاسیس کردند۔ در ابتدا در شرق و پس از آن در غرب. اسامی بعضی از این بیمارستانها هنوز سخن از منشاء مسیحی آن می رانند، مانند: بیمارستان سنت جان (یوحنا مقدس)، بیمارستان لوتری، بیمارستان پربیتتری (کلیسای مشایخی)، و غیره. پیش از ظهور مسیحیت زنان عملاً” برده بودند که هیچ آزادی و هویت نداشتند و یا بسیار کم داشتند. در کلیسای مسیحی چنین نبود! زنان در کنار مردان تعمیم می گرفتند و در کنار مردان به آنان تدریس می شد و در کنار مردان در شام خداوند شرکت می کردند. حکم زنا فقط در مورد زنان اجرا نمی شد. مردی که ازدواج کرده بود و با زنی مجرد رابطه جنسی برقرار می کرد به عنوان زناکار مجرم به حساب می آمد. مسیحیت به زن اجازه داد که دادخواست مرد را رد کند و مالکیت را به ارث ببرد. او دیگر مجبور نبود که خدایان شوهرش را عبادت کند. کشورهایی که مسیحیت بیشترین حضور را در آنجا داشت، اولین کشورهایی بودند که بردگی را ملغی اعلام کردند. اما بردگی در بسیاری از کشورهای اسلامی هنوز رایج است.. این اصل که هیچ انسانی بالاتر از قانون نیست، از امروز قدیس نشأت گرفت. او در ۳۹۰ میلادی از امپراطور تئودوسیوس مطالبه کرد که باید بخاطر کشتن ۷۰۰۰ نفر از روی عیاشی و بیفکری، توبه کند. او به امپراطور گفت که او بالاتر از قانون نیست. این طرز تفکر مسیحی در فرمان کبیر و یا فرمان آزادی و عدالت صادره از جان پادشاه انگلیس در تاریخ ۱۲۱۵ موثر

بود.. تعالیم مسیحی منجر به آزادی اقتصادی، سیاسی و مذهبی شد. دانشگاهها از بطن صومعه های قرون وسطی، ایجاد شدند. الهیات مسیحی و نه آیین وحدت وجود، دانشمندان اولیه را برانگیخت تا دنیای طبیعی خدا را مورد کاوش و بررسی قرار دهند. مسیحیت الهام بخش قطعات موسیقی و تصنیف و ساخت موسیقی های بی نظیری شد. نهایتاً، نفوذ مسیحیت در بسیاری از موسسات اجتماعی غربی و در



ف
ه
ر
س
ت
ا
ط
لا
ح
ا
ت
ء
ل
و
م
و

فنون، ادبیات، تحصیلات و شکل گیری بسیاری از چیزها در زندگی روزمره مردم- چه مسیحی و چه غیر مسیحی حضور دارد. نویسنده: آلوین جی اشمیدت